

امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران (در قالب تهدیدات فرهنگی - اجتماعی)

عنایت الله یزدانی*
زهرا صادقی**

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۱/۶
تاریخ تایید: ۸۸/۱۲/۲۵

چکیده

برقراری و ایجاد محیطی امن و با ثبات از جمله دغدغه‌های هر حکومتی تلقی می‌شود و امنیت ملی هر کشوری جدا از امنیت اجتماعی آن نیست؛ از این رو داشتن یک جامعه باثبات از مهمترین وظایف دولت بوده است؛ اما قبل از آنکه حکومت بتواند به ایجاد چنین محیطی اقدام کند باید ساختارهای داخلی، کارکردها و وظایف خود را دقیق‌پیریزی کند تا منجر به بحران و ناهنجاری داخلی نشود. شکل‌گیری یک جامعه ایمن تنها از وظایف دولت نیست؛ بلکه مشارکت مردم در شکل‌گیری یک محیط امن نقش به‌سزایی دارد. به‌خصوص که بسیاری از ناهنجاری‌های داخلی به‌وسیله خود آن جامعه ایجاد می‌شود؛ در واقع یک‌سری تهدیدهای بیرونی هستند که با برهم زدن نظم درون جامعه امنیت ملی را به خطر می‌اندازد، از این رو واکنش‌ها و سیاست‌هایی که در مقابله با این تهدیدها وجود دارد، اهمیت پیدا می‌کند. هدف این مقاله پرداختن به مقوله امنیت اجتماعی است و این که تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی داخلی و بین‌المللی چه تأثیرات منفی بر امنیت اجتماعی دارد؟

گرچه برداشت‌های متفاوتی در زمینه تهدیدات فرهنگی و اجتماعی وجود دارد؛ اما وجه بارز این تهدیده زیر سؤال رفتن مبانی و ارزش‌های اصولی و اعتقادی نظام است - که نمونه این تهدیدات را می‌توان پدیده جهانی‌شدن و غالب شدن فرهنگ بیگانه دانست - که ممکن است تأثیرات سویی میان پذیرش ارزش‌های جدید و ارزش‌های داخلی یک نظام بگذارد. از این رو قبل از هر چیز ایجاد یک بستر فرهنگی که بتواند این دوگانگی را در خط سیر مثبت آن تعریف کند، از سوی نظام فرهنگی کشور لازم و ضروری است، البته این پتانسیل را می‌توان از طریق تبلیغ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی میان مردم تقویت کرد.

کلید واژگان: امنیت، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، مشارکت مردم، جامعه، دولت، فرهنگ، تهدیدهای داخلی و خارجی.

* استادیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان Email: yazden@poli.ui.ac.ir

** دانشجوی کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان Email: z.sadeghei@gmail.com



روش تحقیق

نوع تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌ها با ابزارهای کتابخانه‌ای و اسنادی از طریق مطالعه منابع دست اول و دوم شامل کتب، نشریات تخصصی، مقالات اینترنتی و روزنامه گردآوری شده است.

۱. امنیت در مفهوم کلی

امنیت از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که آرایه تعریفی دقیق از آن به‌سادگی میسر نیست. از نظر لغوی در فرهنگ لغات، امنیت به‌معنای ایمن شدن، در امان بودن و نبودن بیم و هراس آمده است. در فرهنگ معین امنیت به‌معنای ایمن شدن، در امان بودن تعریف شده است (فرهنگ معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲). در فرهنگ عمید آرامش و آسودگی (فرهنگ عمید، ۱۳۷۹: ۲۳۳) و در فرهنگ المنجد اطمینان و آرامش خاطر معنا شده است (فرهنگ المنجد، ۱۹۷۳: ۱۸).

امنیت به معنای اولیه و ساده عبارت است از: صیانت نفس از خطرات احتمالی که جان آدمی را تهدید می‌کند. اگرچه این واژه را بسیار مختلف و با در نظر گرفتن ابعاد و شرایط گوناگون در جامعه تعریف کرده‌اند؛ ولی عنصر صیانت نفس و حفظ جان را اختیار می‌کند؛ در حالی که «جان لاک» حفظ اموال و دارایی را اولویت می‌بخشد (لئو اشتراوس، ۱۳۷۳: ۶۲). در میان تعریف‌های مختلف از مفهوم امنیت وجوه مشترکی وجود دارد که در اینجا به آنها اشاره می‌شود:

امنیت، شرایطی است که در چارچوب آن فرد در مقابل خطرات، تهدیدات و زیان‌های ناشی از زندگی اجتماعی، مورد حمایت جمع (جامعه) قرار می‌گیرد. امنیت از جمله مفاهیم پیچیده و در عین حال سهلی است که شاید ارائه تعریف همه پسند از آن غیرممکن باشد. سهل از آن جهت که این واژه قبل از تعریف به‌وسیله همگان لمس و ادراک شده است و ممتنع هم از این جهت که ارائه تعریفی جامع و کامل از آن با توجه به شرایط موجود هر جامعه، دشوار و در مواقعی ناممکن باشد. امنیت نیازی بنیادین و پایدار است که برآورده شدن سایر نیازهای جمعی نیز به وجود آن بستگی دارد. انسان که به اقتضای

امنیت یکی از موضوعات مهم در هر اجتماعی است. از اهداف اساسی امنیت ملی در هر کشوری حفاظت از ارزش‌های محوری و حیاتی نظام فرهنگی است و در مقابل، از جمله کارکردهای عمده هر نظام فرهنگی، امنیت بخشی به زندگی اجتماعی و تداوم آن، تکوین هویت اجتماعی و ایجاد حفظ همبستگی است. در این راستا انحرافات و تهدیدهای بسیاری وجود دارند که در سطح داخلی اجتماع، موجب برهم‌زدن نظم و امنیت جامعه می‌شود. در جامعه ایران با توجه به ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و ساختار بسیار جوان جامعه و وجود مشکلات اقتصادی، انحرافات اجتماعی به عنوان یکی از بغرنج‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی است که موجب جریحه‌دار ساختن وجدان جمعی و چالش امنیت اخلاقی و اجتماعی شده است، به طوری که نگرانی عمده نخبگان سیاسی و علمی جامعه از همین مسئله می‌باشد. در بعد بین‌المللی تهدیدهای بسیاری در خصوص فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که موجب تأثیرگذاری بر افکار عمومی جامعه و در نهایت ایجاد انحرافات اجتماعی می‌شود که مهم‌ترین آن پدیده جهانی شدن است. از طرف دیگر، جهانی شدن محدودیت‌ها و مشکلاتی را برای دولت‌ها به‌وجود می‌آورد که یکی از آنها بعد امنیت دولت‌هاست که بر میزان «حساسیت» و «آسیب‌پذیری» دولت‌ها افزوده است. این مفهوم در هر دو بعد داخلی و بین‌المللی صدق می‌کند. در این مقاله سعی داریم تا ضمن پرداختن به مفاهیم امنیت، تهدیدهای داخلی و خارجی و امنیت اجتماعی رویکردهایی که می‌توان برای مقابله با این تهدیدات در نظر گرفت، مورد بررسی قرار گیرد.

سوالات تحقیق

۱. امنیت اجتماعی چیست؟ و چه تأثیری بر امنیت ملی دارد؟
۲. تهدیدهای داخلی و بیرونی امنیت اجتماعی چیست؟ و چه سیاست‌هایی باید برای مقابله با آنها اتخاذ شود؟
- ۳-۲. پاسخ احتمالی به این پرسش آن است که: با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی کشور، علاوه بر یک سیاست فرهنگی جامع و مانع، نیازمند یک استراتژی فرهنگی عقلاانه و جدی هستیم.

تا بتوان یک مفهوم واحد خارجی برای آن قائل شود و تعریف مشخص از آن ارائه داد (بوزان، ۱۳۸۷: ۱۵، علینقی، ۱۳۸۰: ۴۱). بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و ترس»^۱ با تأکید بر امنیت بین‌الملل به جای امنیت ملی ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و زیست‌محیطی را مطرح می‌کند. به عبارت دیگر کشورها دیگر به مصالح خود نمی‌اندیشند، بلکه مصالح و امنیت دیگران در سطح بین‌الملل گره خورده است، از نظر وی فروپاشی شوروی (۱۹۹۱) بر اثر واگرایی ناشی از مناقشات قومی و... و یا اتحاد ۲۵ کشور در اتحادیه‌ی اروپا که به مثابه‌ی گذر از نظام سنتی مبتنی بر دولت - ملت است، نشان از فراملی بودن پدیده‌ی امنیت دارد (بوزان، ۱۳۸۷: ۱۶). این پارادایم‌ها نشانگر آن است که همه باید به امنیت هم بیندیشند چون امنیت ملی و امنیت فراملی دیگر چاره‌ساز نیست؛ بلکه در دنیای جهانی شده‌ی امروز باید به جامعه‌ی امنیتی جهانی اندیشید. از لحاظ نظری، اولین بار، چارلز ببرد،^۲ مفهوم امنیت ملی را در متون تخصصی روابط بین‌الملل وارد کرد. او در کتاب «اندیشه‌ی منافع ملی» امنیت ملی را تبلور و جلوه‌ی خارجی منافع عمومی در داخل قلمداد کرد.

امنیت ملی دو بعد متفاوت و در عین حال مرتبط با هم دارد:

الف) بعد داخلی یا «درون‌گرا» که ناظر به ایجاد نظم و آرامش و ایمن داخلی، تأمین منافع عمومی و به خصوص توانایی دولت یا حکومت در جهت برآوردن توقعات روزافزون جامعه، و بالاخره توسعه مترقیانه فرهنگ و تمدن مورد بحث است.

ب) بعد خارجی یا «برون‌داد» که ناظر به نحوه تعیین جایگاه یک کشور در صحنه بین‌المللی است (جمراسی، ۱۳۷۴: ۹).

در این راستا آنچه اهمیت دارد مجموعه توانایی‌ها و ظرفیت‌های یک کشور، اعم از سیاسی یا نظامی و اقتصادی در حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، استقلال سیاسی، اعمال صحیح حاکمیت بر منافع طبیعی، حفظ محیط زیست در مقابل تهدیدات خارجی است.

امنیت اغلب پدیده‌ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی باید

وجودش اجتماعی آفریده شده، ناچار وابستگی به «دیگری» و «دیگران» دارد. در طول تاریخ حیات پر فراز و نشیب خود در تأمین آرامش داخلی و آسایش اقتصادی و ایمنی در برابر تهدیدهای فراوانی اندیشیده، ابتکارها و خلاقیت‌های تکامل یافته خود را برای فراهم کردن وسیله‌های گوناگون برای رسیدن به این مقصود به کار گرفته است. تدوین چارچوب‌های مختلف انضباطی و وضع قوانین و مقررات جمعی منتهی به ایجاد حکومت برای اداره جامعه از جمله مهم‌ترین ابزار و وسایلی است که برای تأمین نیازهای امنیتی به جامعه بشری معرفی شده است. مجموعه‌ی این ابتکارها و خلاقیت‌ها در نهایت به ایجاد و گسترش چتری حمایتی منجر می‌شود که در سایه آن فرد و جامعه به بقا و حیات خود تداوم می‌بخشند و در نبود آن به وضعیتی می‌رسند که در تعاریف ارائه شده توسط متفکرین اجتماعی به آن Anomie (نوعی بی‌قانونی و عدم تعادل در شرایط اجتماعی) اطلاق می‌شود (نوری، ۱۳۸۷: ۱، Jones, 1999: 102).

در مجموع، می‌توان امنیت را مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد نبود ترس، بیم و دلهره نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید، خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و درک هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعریف کرد.

۲. امنیت ملی

امنیت ملی مفهومی بسیار پیچیده است. به اصطلاح زبان‌شناختی دال امنیت می‌تواند به مدلول‌های مختلفی رجوع یابد. از این رو رابطه‌ی همیشگی و پایدار بین دال و مدلول امنیتی وجود ندارد و زمینه‌های گفتمانی هستند که مشخص می‌کنند چه مدلولی به این مفهوم بچسبید. شاید علت اصلی این پیچیدگی مفهومی این واقعیت باشد که در حوزه‌ی علوم انسانی مفاهیم در اساس پیچیده و درماهیت مناقشه‌انگیز هستند. تعبیر باری بوزان^۱ این است که امنیت مفهومی توسعه نیافته^۲ است. به نظر وی مفهوم امنیت هنوز توسعه نیافتگی لازم را پیدا نکرده است

1. Barry Buzan
2. Under- developed

3. People' States and fear
4. Charles A. Beard

آینه زمان نمی‌بیند، آنها نگران بیکاری، بهت از عدم اطمینان، وحشت‌زده از نظر تکنولوژی‌های جدید، مشوش از جهانی‌شدن اقتصاد، دل مشغول صدمات محیط‌زیست و فساد لجام‌گسیخته شدیداً مایوس و ناامید هستند (رامونه، ۱۳۷۷: ۱۱).

۳. امنیت اجتماعی^۵

امنیت اجتماعی را به صورت‌های گوناگون تعریف کرده‌اند. به نظر عده‌ای امنیت اجتماعی به وسیله دولت و هیئت حاکمه و به نظر عده‌ای دیگر با مشارکت مردم در جامعه تعیین و اجرا می‌شود (افشار، ۱۳۸۷: ۱). بنابراین تعریف جامعی از اصطلاح «امنیت اجتماعی» در دست نیست و درباره مفهوم دقیق و دامنه‌ی کاربرد آن اختلاف‌نظر وجود دارد؛ اما دیدگاه‌های نوین به طور عمده مبتنی بر مشارکت مردم هستند. بحث امنیت اجتماعی بحثی است که به بعد داخلی امنیت برمی‌گردد؛ یعنی مسائلی که در حوزه‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و قضایی افراد جامعه با آن روبرو هستند. این مسائل در چارچوب بحث امنیت اجتماعی قابل بررسی‌اند. گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت جامعه مورد سؤال قرار گیرد. «امنیت فردی» آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می‌کند؛ اما «امنیت اجتماعی» عبارت است از: آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضاء خود ایجاد می‌کند (حسینی فر، ۱۳۸۳: ۲).

اهمیت وجود امنیت در زندگی تا حدی است که برخی متفکران اجتماعی در تعاریف خود کلمه «امنیت» را مترادف با مفهوم «سلامتی» به کار گرفته و وجود آن را ضامن بقاء و پایداری جامعه سالم پنداشته‌اند. در عین حال این نکته دارای اهمیت است که «احساس امنیت» همیشه رابطه‌ای مستقیم با امنیت واقعی ندارد و وجود یا عدم وجود آن (احساس امنیت) لزوماً به معنای بهره‌مندی یا محرومیت از امنیت واقعی نیست (نوری، ۱۳۸۷: ۲). به عبارت روشن‌تر، در جایی که وجود امنیت در جامعه تعاملات اجتماعی را در مسیری طبیعی و واقعی قرار می‌دهد، «احساس امنیت» (فارغ از بود و نبود واقعی امنیت) می‌تواند حرکت‌ها و

در ذهن توده مردم و زمامداران این باور به وجود آید که امنیت کافی برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد. البته تعیین درجه و مرتبه نیاز به امنیت کاری ناممکن است. از این رو گفته می‌شود که امنیت یک وضعیت نسبی است؛ یعنی هیچ‌گاه یک فرد، در معیار فرد و یک کشور در مقیاس کلان نمی‌تواند مدعی برخورداری از امنیت کامل باشد. امروزه مفهوم امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشور از طریق افزایش توان نظامی است (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۱۵، عیوضی، ۱۳۸۲: ۱۴۲). امنیت ملی با تمامیت ارضی رابطه مستقیم دارد و در نهایت به دفاع ملی منتهی می‌شود. استراتژی‌های بلندمدت اقتصادی، نظامی و سیاسی می‌تواند مرزهای امنیت ملی را تا حد مناطق با نفوذ یک کشور وسعت بخشد و ظرفیت‌های اقتصادی یک کشور - که سرچشمه‌ی تمام قدرت‌های اوست - به اضافه وضع نمادهای سیاسی و حقوقی کشور می‌تواند در تحکیم امنیت ملی بسیار مؤثر باشد؛ از سویی به قول والتر لیپمن، امنیت ملی در معنی عام کلمه همیشه همراه با قدرت نظامی خواهد بود. به طوری که بود و نبود امنیت وابسته به توانایی کشور در رفع و از بین بردن حمله‌ی نظامی است (سیف‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۷۰).

در «گزارش کمیسیون ویژه زمامداری جهانی» اعتقاد بر این است که تحولات عرصه بین‌الملل به تولید مفهوم «امنیت مشترک»^۱ و به «امنیت دسته‌جمعی»^۲ و سپس به «امنیت فراگیر»^۳ و در نهایت به «امنیت جهانی» منجر می‌شود. البته امنیت همواره در بحث جهانی‌شدن مورد توجه قرار داده شده است. اسویر لودگارد،^۴ یکی از شاخه‌های اصلی فضای امنیتی جهان معاصر را در «تولید انبوه ناامنی» داشته است (مک کین، لئیل، ۱۳۸۰: ۲۱). با این توضیح که زندگی انسان معاصر از نظر امنیتی بسیار آسیب‌پذیر بوده و ما با هر قدمی که در جهت توسعه به جلو بر می‌داریم به صورت مستقیم تهدید تازه‌ای را برای خود پدید می‌آوریم. به عقیده‌ی «رامونه» این تهدید فقط مختص به پیرامون نیست بلکه در جوامع غربی نیز آینده روشنی را در

1. Common Security
2. Collective Security
3. Pervasive Security

4. Swere Lodgrd
5. Social Security.

جریان‌های طبیعی را در جامعه دچار اختلال کند.

به طور کلی امنیت اجتماعی یکی از پیش نیازهای توسعه کشور است و بدون شک با وضعیت فرهنگی جامعه ارتباطی تنگاتنگ دارد. پابندی افراد و نهادهای جامعه به ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در فرهنگ نوعی مصونیت اجتماعی را ایجاد می‌کند که به تبع موجب امنیت پایدار می‌گردد. هر چه امنیت فرهنگی و اجتماعی در جامعه گسترش یابد، پیشرفت در سایر ابعاد توسعه تسریع می‌شود و افراد جامعه به سمتی سوق پیدا می‌کنند که در سازندگی و درخشش جامعه تأثیر می‌گذارند و از آسیب‌ها و انحراف‌ها مصون می‌مانند. اگر این مصونیت به وسیله نظام سیاسی و مراکز تعلیم و تربیت در سطوح عالی و میانی کشور درونی و نهادینه شود، نظم و انضباط در جامعه گسترش می‌یابد. در حقیقت طرح امنیت اجتماعی که از طرف نیروی انتظامی در دولت نهم مطرح شد گامی اساسی در این راستا به‌شمار می‌رود که می‌باید از طرف مردم و رسانه‌های گروهی و نخبگان و جریان‌های سیاسی حمایت و تحکیم یابد.

۴. اجتماع امنیتی دویچ

دیوید بالدوین^۱ امنیت را به‌سادگی این‌گونه تعریف می‌کند: «احتمال اندک وارد آمدن خسارت به ارزش‌های کسب شده» (Baldwin, 1997:261). این تعریف مفهوم امنیت را از چارچوب ساختگی فقط نظامی خارج ساخته و امکان ورود اقتصاد و یا فرهنگ را به این مقوله می‌دهد. در اینجا اجتماع و محیط امنیتی با اندکی تسامح به یک معنا در نظر گرفته شده است. هر چند شیپینگ تانگ^۲ در مقاله‌ای با عنوان «نظریه‌ی نظام واره» محیط امنیتی را بیش‌تر در تعامل با رفتارهای یک کشور با کشورهای دیگر بررسی کرده و از آن برای تدوین سیاست‌های امنیتی یک دولت در برابر کشورهای همسایه و اطراف خویش بهره برده است؛ اما با این حال، تعریف او به عنوان یکی از نظریه‌پردازان سیستم‌های امنیتی از عبارت محیط امنیتی، با تعریف اجتماع امنیتی دویچ تفاوت قابل توجهی

ندارد (Tang, 2004:34). کارل دویچ، در دهه‌ی ۱۹۵۰ تلاش کرد که دریابد چگونه امکان دارد جامعه‌ای هم بسته و وسیع‌تر از یک جامعه ملی به وجود بیاید؟ استدلال اصلی او این بود که با تراکم بیشتر مبادلات اجتماعی در میان افراد در دوره‌ای طولانی، اجتماعات جدیدی بر مبنای هویتی مشترک شکل می‌گیرد که سرانجام می‌تواند به خلق یک ابرقدرت^۳ با نهادهای متمرکز منجر شود (گلشن پژوه، ۱۳۸۶:۲۶).

در نگاه دویچ، منظور از اجتماع سیاسی^۴ «مجموعه‌ای از افراد یا گروه‌ها - مانند دولت‌ها- است که تناسب متقابل رفتار آنها برای تصمیم‌گیری سیاسی پیوند آنها را به وجود می‌آورند. در میان اجتماعات سیاسی، اجتماعاتی که در آنها جنگ از روابط حذف می‌شود، «اجتماع امنیتی»^۵ نام دارند که کانون توجه دویچ را تشکیل می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۴:۴۲). برای دویچ طبق مطالعه‌ای که در سال ۱۹۷۵ به همراه تعدادی از متخصصین این امر انجام داده بود، اجتماع امنیتی، «مطالعه راه‌های ممکن برای آن که روزی بشر جنگ را از میان بردارد»، بود (Adler, 1998:6). او اعتقاد داشت در اجتماع امنیتی، «مردم تا آن اندازه با همدیگر ادغام شده‌اند که در آن نه تنها تضمینی واقعی برای عدم توسل فیزیکی به جنگ موجود بوده، بلکه آنان اختلافات و مسائل میان خود را با اتخاذ روش‌هایی دیگر حل خواهند نمود» (Adler, 1998:6). به اعتقاد دویچ، وجود این‌گونه اجتماعات امنیتی را از یک طرف می‌توان بر مبنای معیارهای ذهنی تصمیم‌گیرندگان و قشرهای سیاسی مهم تشخیص داد و از سویی دیگر، می‌توان وجود آن را با معیارهای عینی مانند آمادگی جنگی یا فقدان آن سنجید. آستانه‌ای وجود دارد که با گذر از آن، جنگ میان واحدهای سیاسی را ناممکن می‌نماید و برای آن هیچ پیش‌بینی و تدارکاتی صورت نمی‌گیرد. به نظر دویچ، می‌توان گذر از این آستانه و شکل‌گیری اجتماع امنیتی را همگرایی نامید (Deustch, 1998).

۵. ابعاد امنیت اجتماعی

آنچه که در بحث امنیت اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند، بعد

1. David Baldwin
2. Shiping Tang
3. Superstate

4. Political Community
5. Security Community

مفهوم امنیت انسانی در مقاطع زمانی مختلف، متناسب با سطح توسعه، میزان دموکراسی، اصول اخلاقی، نگرش و رفتار نسبت به جنسیت و بسیاری مسائل اجتماعی دیگر معانی کاملاً متفاوتی یافته، و با نیازهای اساسی و تأمین آنها، حقوق بنیادین انسان‌ها و احترام به این حقوق ارتباط پیدا کرده است.

ابعاد مهم امنیت اجتماعی، فرهنگ جامعه است. امنیت فرهنگی - اجتماعی برجسته‌ترین چهره و درونی‌ترین لایه «امنیت هستی‌شناختی» یک جامعه است. امنیت هستی‌شناختی بر «نوعی احساس تداوم در رویدادها، حتی آنهایی که به طور مستقیم در حوزه ادراک شخصی قرار ندارد» دلالت دارد. بنابراین امنیت هستی‌شناختی نشان از یک نیاز فردی دارد؛ نیاز به اطمینان از تداوم هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی، کنش در اطراف خود، تحقق این نیاز مستلزم حصول ضریب مؤثری از «اعتماد»، «اطمینان» و «یقین» است. البته این رابطه یک رابطه‌ی تعاملی و دو طرفه است؛ یعنی (به تعبیر گیدنز) هرچه افراد از امنیت هستی‌شناختی و وجودی بیشتری داشته باشند نسبت به سایرین اعتماد بیشتری را بروز می‌دهند و هرچه احساس این نوع امنیت مورد تهدید واقع می‌شود اعتماد متقابل در آن جامعه تقلیل و تحدید و یا محو می‌شود.

۶. فرهنگ و امنیت ملی

به نظر می‌رسد در کشور ما هنوز مفهوم امنیت ملی همگام با تحولات جهانی رشد نیافته است و همچنان از رویکردهای سنتی رنج می‌برد. وقتی سخن از دانش امنیت ملی به میان می‌آید، باید آن را فقط در مراکز و دانشکده‌های نظامی و امنیتی و در مراکز تصمیم‌گیری فرهنگی و یا حتی مجامع عالی جست‌وجو کرد. موضوع امنیت ملی از زاویه‌های فرهنگی بیشتر یک مبحث تشریفاتی است که گویی تا پیش از بدل شدن به یک بحران انتظامی و امنیتی جایگاهی شایسته در ساختار نظام امنیت ملی کشور ندارد. صرف‌نظر از این واقعیت، مواجهه غیر فرهنگی با مقوله‌های فرهنگی، موضوعی است که همواره کشور ما را در برابر تهدیدات فرهنگی آسیب‌پذیر ساخته است. این معضل صرف‌نظر از فقدان اعتقاد به وجود تهدیدی جدی از ناحیه فرهنگی. در فرض خوش‌بینانه به خلأ برآورد ملی از تهدیدات

ذهنی، عینی، اخلاقی و انسانی امنیت است که به آن خواهیم پرداخت.

امنیت اجتماعی حق مسلم تمام انسان‌هاست، از این رو اگر تمام بخش‌های مختلف اجتماع در کنار هم قرار گیرند سبب ایجاد اجتماع امنیتی باثبات می‌شود. عوامل بسیاری باعث شده که از نظر ذهنی نوعی نگرانی در جامعه به وجود آید و در امنیت تأثیر بگذارد. تغییر در ساخت جمعیت و تغییرات تکنولوژی که باعث تغییر شتابان الگوهای اجتماعی شده، همچنین شیوه گذراندن اوقات فراغت، بحران هویت، تغییر ارزش‌های اخلاقی و فردگرایی افراطی و... همگی از نظر ذهنی سبب نوعی ناامنی در افراد جامعه می‌شود (ملکی، ۱۳۸۵: ۲-۱). نمونه بارز آن روبه‌رو شدن نسل جوان با انبوهی از سؤال‌های بی‌پاسخ است که از سوی خانواده، مدرسه، دولت، گروه‌های همسالان، احزاب و جمعیت‌ها و رسانه‌ها مطرح می‌شود. سؤال‌هایی که با افزایش حجم مبادلات فرهنگی روبه افزایش است و باعث مهم‌شدن بحث امنیت اجتماعی می‌شود. در مقوله امنیت عینی می‌توان به وقوع جرم و جنایاتی اشاره کرد که در سطح جامعه اتفاق می‌افتد. وقوع جرم و هزاران اتفاق در جامعه بدون تردید نیازمند دست‌یابی به امنیت اخلاقی است.

صاحب‌نظران معتقدند که دست‌یابی به امنیت اخلاقی و اجتماعی نیازمند بازنگری همه جانبه در تجربیات پیشین است. آنها اعتقاد دارند که کالبدشکافی وجوه امنیت اخلاقی و اجتماعی بدون در نظر گرفتن تعامل ظریف و پیچیده آنها با امنیت روانی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و نقد ساختار هر یک از اجزای یاد شده در کلیت جامعه و نظام امکان‌پذیر نیست. ضرورت رفع خلأهای قانونی و ابهام از قوانین موجود به ویژه در زمینه پدیده‌های ناهنجار اجتماعی با استفاده از فقه مرفقی شیعه و اجتهاد زمان و مکان، فرهنگ‌سازی در خصوص تبیین قواعد و قوانین اخلاقی و اجتماعی و عدالت انتظامی - قضایی و اجتماعی نیز از جمله مواردی است که صاحب‌نظران و کارشناسان در زمینه بازنگری در امنیت اخلاقی و اجتماعی بر سر آنها اتفاق نظر دارند (افشار، ۱۳۸۷: ۴).

ابعاد ذهنی، عینی، روانی، اخلاقی و حتی بعدهای دیگر امنیتی را می‌توان در قالب «امنیت انسانی» تعریف کرد. در واقع

۷. میزان توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن به ویژگی (سیاسی و فرهنگی) بنیادی خود در شرایط متحول و در مقابل تهدیدات احتمالی با واقعی (ر.ک. به استراتژی‌های امنیتی فرهنگی - اجتماعی، ۱۳۸۲: ۲).

۷. امنیت انسانی و تأثیر آن بر امنیت ملی

امنیت انسانی در هر کشور به‌طور هم‌زمان در پنج سطح تهدیدات فردی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مطرح می‌شود. هر یک از سطوح نه تنها مشکلات و مسائل مربوط به خود را دارد، بلکه با مشکلات سطوح دیگر نیز مرتبط است. بنابراین بهبود و افزایش امنیت انسانی در یک سطح بر سطوح دیگر نیز اثرات مثبت دارد، همچنان‌که تهدید امنیت انسانی در یک سطح، سایر سطوح را نیز تهدید خواهد کرد. برای مثال تهدید امنیت فردی و کاهش قدرت و اختیار افراد در مشارکت در سطح محلی و ملی اثرگذار خواهد بود. همچنین سیاست‌های ملی محقق نخواهد شد، مگر آن‌که در سطح محلی به امنیت آنان در سطح همکاری و مساعدت لازم با آن‌ها صورت گیرد. عدم امنیت در سطوح ملی می‌تواند بر وضعیت منطقه اثر گذارد و سطح ناامنی را تا کشورهای همسایه گسترش دهد. تجربه خاورمیانه و همچنین منطقه آسیا در مناقشات مربوط به عراق و افغانستان و با ناآرامی‌ها در جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق نمونه‌هایی از این وضعیت هستند.

علاوه بر این، مؤلفه‌های امنیت انسانی نیز ارتباط متقابلی با یکدیگر دارند و تهدید یکی از اجزای امنیت انسانی، سایر اجزای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کمبود دسترسی به آب می‌تواند به فقر منجر شود، همچنان‌که توزیع ناعادلانه منابع، زمینه مهاجرت و گسترش امراض و بیماری‌ها را فراهم خواهد آورد. فقر ممکن است به نسل‌های دیگر انتقال داده شود و مهاجرت و جابه‌جایی مردم نیز شاخص‌های امنیت انسانی را در کشور میزبان به مخاطره می‌افکند (میوند، ۱۳۸۴: ۳). بنابراین برخورد با هر سطحی از امنیت انسانی برای کاهش تهدیدات، مستلزم شناخت استعدادها و منابع برای حل مشکلات در سطوح دیگر است.

۸. شاخص‌های تهدیدکننده یک اجتماع امنیتی از دیدگاه دوپچ ۶ مورد مذکور در زیر را می‌توان به تهدیدهای غالب در

و خطرات باز می‌گردد. علاوه بر این، باید پذیرفت که فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در این زاویه، می‌باید با نگاهی به طور کامل تخصصی و از درون توده باشد و به طور کامل نمی‌توان با فرمول یا نسخه‌های نظامی و امنیتی با تهدیدات فرهنگی، مقابله‌ی مؤثر کرد. بر این اساس، ۶ ضعف اساسی در حوزه‌ی امنیت ملی قابل توجه می‌باشد:

۱. فقدان اعتقاد به وجود تهدید امنیتی جدی از زاویه فرهنگی (فقدان درک دقیق از مفهوم و مراتب تهاجم فرهنگی).
۲. وجود خلأ فرهنگ در تعریف امنیت ملی جمهوری اسلامی به دلیل رشد نامتوازن این مفهوم همگام با تحولات جهانی.
۳. فقدان برآورد ملی از مخاطرات و ترسیم ابعاد و دامنه تهدیدات فرهنگی.
۴. عدم مواجهه تخصصی با مقولات فرهنگی در حوزه امنیت ملی (جمع‌آوری اطلاعات، پردازش، تئوری‌سازی، تعیین استراتژی، تاکتیک، برنامه و اجرا).
۵. فقدان قدرت و اقتدار در مسئول و هماهنگ‌کننده یا رهبری فعال امور فرهنگی (مجامع تصمیم‌گیری فرهنگی).
۶. عدم گسترش دانش امنیت بیرون از دایره عناصر نظامی و امنیتی (فقدان مشارکت‌پذیری در تأمین امنیت ملی) (غلامی، ۱۳۸۶: ۲۶).

در جامعه هویت‌های فرهنگی متعددی وجود دارند که بر میزان تحمل، انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز نقش به‌سزایی دارند و به مراتب تأثیر به‌سزایی بر امنیت فرهنگی جامعه دارند. از این منظر، امنیت فرهنگی ناظر است بر:

۱. میزان اقتدار و هژمونی ایدئولوژیک،
۲. میزان تحمل، انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های فرهنگی سنتی در جامعه،
۳. میزان پویایی صنعت فرهنگی و تولید و بازتولیدات فرهنگی،
۴. میزان توانایی و استعداد در بخشودن و جفت کردن مدل‌های فرهنگی مناسب به دال‌های شناور در جامعه و مفصل‌بندی یک گفتمان فرهنگی مسلط،
۵. میزان دسترسی و مقبولیت و مشروعیت،
۶. میزان دربرگیری و بازتاب و بازنمایی دقایق و عناصر سایر خرده فرهنگ‌ها (میزان و چگونگی چندگونگی)،

متنوع و متعدد معمولاً با تضادهای مختلفی در زیرساخت‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجهند. عدم تطابق و رشد ناهماهنگ عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ در این جوامع، موانع و مشکلاتی را در سازگاری اجتماعی به وجود آورده است. در چنین جوامعی افراد به سختی و به زحمت می‌توانند خود را با محیط سازگار و با تغییرات و دگرگونی‌های تازه و سریع همراه کنند؛ لذا از این حیث دارای تداخل‌های فرهنگی، بی‌هنجاری و ناهنجاری کشاکش‌های مختلف اجتماعی، از خود بیگانگی و در سطحی وسیع‌تر بی‌سازمانی و از هم‌گسیختگی اجتماعی هستند. این بی‌نظمی‌ها و بی‌سازمانی‌ها منجر به عدم تعادل و ثبات اجتماعی در مقاطع مختلف زمانی، افزایش آسیب‌پذیری‌ها و تحمیل بحران‌های مختلف اجتماعی شده است که در صورت عدم توجه و بر نامه‌های صحیح می‌تواند نه تنها امنیت ملی - اجتماعی که امنیت وجودی و هستی‌شناختی آنها را با تهدیدی جدی مواجهه کند.

تهدیدات اجتماعی را می‌توان در دو سطح داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار داد. تهدیدات داخلی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در واقع میزان توسعه قدرت نظام می‌تواند در کاهش انحرافات اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. ایران از جمله کشورهای در حال توسعه در حال گذار است که همواره آسیب‌ها و تهدیداتی از قبیل بیکاری، بحران هویت، فرسایش سرمایه‌گذاری اجتماعی، خودکشی، افزایش جرایم جنسی، دختران فراری، کودکان خیابانی و کار، فرار مغزها، فقر، شکاف طبقاتی، نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی، فساد مالی و اداری، رشوه و ارتشا، قاچاق انسان، خشونت علیه زنان، طلاق، اعتیاد، تمایز نسلی، مهاجرت روستا به شهر و حاشیه‌نشینی و... امنیت ملی را ممکن است به خطر بیاندازد (فاضل و آشتیانی، ۱۳۸۵: ۴، میوند، ۱۳۸۵: ۲).

در جامعه‌شناسی، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی را براساس سه دیدگاه تقسیم‌بندی می‌کنند:

۱. دیدگاه کارکردگرایی که معتقد است جامعه سیستمی از بخش‌های مرتبط است که هماهنگ با یکدیگر در جهت حفظ تعادل و توازن اجتماعی کار می‌کنند.
۲. دیدگاه کشمکش: جامعه را متشکل از گروه‌هایی می‌داند

اجتماعات نام برد. این عوامل که در نوشته‌های سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۸ دویج آمده عبارتند از:

۱. هر نوع افزایش سریع در بار اقتصادی، نظامی یا سیاسی بر اجتماع یا هر یک از واحدهای شرکت‌کننده (به ویژه اگر این افزایش در بار مسئولیت‌ها در مراحل اولیه و قبل از آن باشد که همگرایی از طریق یادگیری وفاداری‌ها و عادات سیاسی عمیق شده باشد)

۲. افزایش سریع در تحرک اجتماعی و مشارکت سیاسی که سریع‌تر از فرآیند همسان‌سازی مدنی با فرهنگ سیاسی مشترک اجتماع باشد.

۳. افزایش سریع در تمایزات منطقه‌ای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زبانی یا قومی که سریع‌تر و قوی‌تر از فرآیند همگرایی و تأثیرات جبرانی آن باشد.

۴. عقب‌ماندگی یا افول جدی در نهادهای سیاسی و اداری و ظرفیت‌های حکومت و نخبگان سیاسی به نسبت وظایف و مسئولیت‌های جاری که باید به آنها بپردازند.

۵. انسداد نسبی نخبگان سیاسی که به شکل حادی به کاهش ورود اعضا و افکار جدید منجر شود و از این طریق موجب شود اعضای بالقوه نخبگان متقابل متخاصم تبدیل شوند.

۶. ناتوانی سیستم در انجام به موقع اصلاحات و تعدیلات لازم یا مورد توقع جمعیت (که ممکن است پیشتر هم در برخی از حوزه‌های مهم در بیرون نمود یافته باشد) یا ناکامی در سازگاری به موقع با افول از دست رفتن موقعیت یک اقلیت ممتاز یا مسلط (مانند موقعیت اقلیت سفیدپوست در فدراسیون سابق رودزیا و یا نیوزیلند) (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۴۶-۴۵، گلشن پژوه، ۱۳۸۶: ۳۴-۳۵).

بررسی هر یک از این عوامل در واقع ضعف و قوت‌های آنها را با محیط‌های امنیتی موجود مشخص می‌کند. با این حال فرایند ساخت و تکمیل و بلوغ یک اجتماع امنیتی، فرآیندی زمان‌بر، نیازمند حوصله و سعه صدر، تساهل و بسیار محتاج تبیین تأثیرات مثبت این اجتماع در برابر عدم تشکیل آن و بیان و یادآوری دائم آن به لایه‌های تشکیل‌دهنده اجتماع است.

۹. تهدیدات اجتماعی
جوامع در حال گذر جوامعی هستند که به دلیل تغییرات

۲-۹. اصطکاک منافع

تغییر وضعیت از جامعه‌ای برخوردار از نوعی هویت گروهی، جمعی و ملی به جامعه‌ای از هم گسیخته و دچار پراکندگی، طیف‌های وسیعی از افراد ناهمگون و نامتجانس را در مقابل هم قرار می‌دهد تا هر یک برای حفظ خود در اندیشه از پای انداختن دیگری باشد و برای رسیدن به مقصود خود را مجاز به استفاده از هر وسیله‌ای (به طور عمد نامشروع و ناموجه) بدانند. در این شرایط نابسامان که حاکمیت قانون به ضعف می‌گراید و قواعد و ضوابط اجتماعی جایگاه تعریف‌شده قابل قبولی برای جمع ندارد، تمایلات و سلیقه‌های فردی جایگزین قوانین جمعی می‌شود و تضادهای طبیعی منافع فردی حرکت جمعی جامعه را از مسیر رشد و تکامل دور می‌کند و بسته به میزان قدرت و قوت هر دسته و گروهی، اداره امور را به دست می‌گیرد. در این صورت مسیرهای تازه، اما انحرافی برای جمع ترسیم می‌شود که خود تضادهای جدیدتری را به جامعه تحمیل می‌کند (نوری، ۱۳۸۷: ۳). این دور باطل تضاد منافع این گروه‌ها و در نتیجه برخورد آنها با هم، امکان رشد طبیعی را از جامعه سلب می‌کند و در مقابل زمینه‌های مساعد برای گسترش ناهنجاری‌های فراوان ایجاد می‌کند که در سایه آن هر فرد و گروهی خواسته‌ها و تمایلات خود را در آن جست‌وجو می‌کند.

۳-۹. نبود قانون

زندگی مسالمت‌آمیز افراد در یک جامعه، تنها در صورت رعایت قواعد مشترک ممکن می‌شود؛ اما این قواعد مشترک باید واجد ویژگی‌هایی داشته باشند که بتوانند به این هدف برسند. قانون و قوانین مناسب، بستر شکل‌گیری ساختاری اجتماعی است که می‌تواند، تأمین‌کننده امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای باشد. این موضوع از جهات مختلف قابل بررسی است. نخستین بحث، تناسب قوانین با نیازهای اجتماعی هر جامعه است. قانون باید منعکس‌کننده مناسبات و روابط اجتماعی در هر جامعه باشد و برای تنظیم روابط اجتماعی همان جامعه مورد استفاده قرار گیرد. بحث بعدی قابلیت اجرای قانون است. قانون مصوب باید در شرایط اجتماعی و سیاسی هر جامعه به صورت قطعی قابلیت اجرا داشته باشد و به هیچ وجه با موانعی که اجرا را غیر ممکن می‌سازد روبه‌رو نشود. تصویب چنین قوانینی - که شرایط

که برای دستیابی به قدرت و منابع با هم رقابت می‌کنند. دو نظریه در این دیدگاه وجود دارد:

(الف) مارکسیستی: کشمکش اجتماعی را بر اساس اقتصادی و بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی می‌داند.

(ب) غیرمارکسیستی: کشمکش اجتماعی را ناشی از رقابت بر سر ارزش‌ها و منافع در میان گروه‌های اجتماعی می‌داند.

۳. دیدگاه کنش متقابل نمادین که برخلاف دو دیدگاه قبل منعکس‌کننده دیدگاه جامعه‌شناسی خرد است و بر این نکته تأکید دارد که رفتار انسانی تحت تأثیر معانی قرار دارد که در کنش متقابل نمادین با دیگران خلق می‌شود و تداوم می‌یابد (فاضل و آشتیانی، ۱۳۸۵: ۲-۳).

بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده می‌توان علت بروز تهدیدات اجتماعی را ناشی از عوامل زیر دانست:

• تقویت روحیه‌ی فردگرایی،

• اصطکاک منافع،

• نبود قانون،

• ناکارآمدی نظام اداری،

• آنومی و رشد ناهنجاری،

• وجود گروه‌ها و اقلیت‌های قومی - فرقه‌ای در جامعه،

۱-۹. تقویت روحیه فردگرایی

در وضعیت غالب بودن «احساس عدم امنیت» روح جمعی که نگاه دارنده و پیوند دهنده هر جامعه‌ای است (از جوامع بدوی تا جوامع مترقی و پیشرفته) به تدریج ضعیف و ناکارآمد می‌شود و «فردیت» آحاد انسانی محور شکل‌گیری حرکت‌ها و تعاملات اجتماعی می‌شود. در چنین حالتی، توانمندی‌های فردی به کار جمع نمی‌آید و استعدادها در جهت بهبود شرایط کلی جامعه به کار گرفته نمی‌شود و ساختار «هویت ملی» دچار گسیختگی می‌شود و این خود زمینه‌ساز رشد بسیاری از ناهنجاری‌هایی است که می‌تواند جامعه را از مسیر توسعه و پیشرفت دور کند (نوری، ۱۳۸۷: ۳). در حقیقت در جامعه‌ای بی‌بهره از قواعد و ضوابط تأمین‌کننده منافع جمعی، فرد با احساس تنهایی و ناامید از حمایت گروهی، خود را همواره در معرض تهدید می‌بیند و ضمن نگرانی از سرنوشت آینده به چاره‌جویی‌های فردی می‌پردازد و تا آنجا که می‌تواند حساب خود را از حساب جمعی دور نگه می‌دارد.

روزمره خود با معضلات فراوانی روبرو می‌شوند یا روند اقدامات یا وضعیت به سوی گسترش هر چه بیشتر فقر در جامعه حرکت کند. چنین وضعیتی را می‌توان مترادف با تهدید اقتصادی علیه امنیت ملی دانست (Buzan, 1998: 22).

امنیت با وجود مشروعیت و مقبولیت تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی هر قدر اختلاف ذهنیت میان توده‌های مردم و نخبگان بیشتر شود، جامعه در سطح بیشتری با عدم امنیت روبرو خواهد شد و نتیجه‌ی آن از خود بیگانگی، غیر سیاسی شدن، انفعال مردم و رفتارهای سیاسی زیرزمینی خواهد بود. از این رو برای کاهش تنش در جامعه چاره‌ای جز جابه‌جایی نخبگان وجود نخواهد داشت.

۵-۹. آنومی و رشد ناهنجاری

منظور از مفهوم «آنومی» یک وضعیت بی‌قاعدگی یا «بی‌هنجاری» است که در این شرایط افراد قادر نیستند بر اساس یک «نظام از قواعد مشترک» ارتباط متقابل برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا کنند. در نتیجه، نظم فرهنگی و اجتماعی از هم می‌پاشد. به عبارت دیگر آنومی به معنای شرایط بی‌هنجاری است؛ یعنی خلأ اخلاقی و تعلیق قواعد و گاهی بی‌قانونی است. بی‌هنجاری در واقع نشان دهنده‌ی شرایطی است که رفتارها از قبل به طور هنجاری معین شده، با یک بحران اجتماعی، تعادل جامعه بر هم ریخته است، در نتیجه بی‌هنجاری گسترده‌ای به وجود می‌آید که به زعم «پارسونز» به مفهوم «اختلال کامل نظم هنجاری» است (محبوبی منش، ۱۳۸۷: ۲).

جامعه‌ای که اهداف و برنامه‌های مشترک در آن تعریف نشده و یا تعریف شده آن تحمیلی و نامقبول است و فراوانی خواسته‌ها طبعاً راه‌های ناهمگون برای رسیدن به مقصود را برای آن فراهم می‌کند، و به میدان رقابتی تبدیل می‌شود که قواعد آن را میزان توانایی‌های گروه و دسته پیروز تعیین می‌کند، در نبود قواعد و قوانین مورد قبول همه، آنچه بیش از هر عامل تعیین‌کننده‌ای رخ می‌نماید، بی‌راهه‌ها و میان‌برهایی است که راه رسیدن به خواسته‌ها را تسهیل می‌کند. در چنین وضعیتی که هدف (فردی) توجیه‌کننده وسیله و ابزارش می‌شود، «اخلاق جمعی» که از تبعات مهم و احترام به قانون است به محاق می‌رود

اجتماعی جامعه، امکان اجرای آن را نمی‌دهد - موجب می‌شود که مشروعیت اصل قانون زیر سوال رود و نوعی بی‌اعتمادی نسبت به قوانین در جامعه ایجاد شود که این به معنای بی‌اعتبار شدن قانون در کلیت آن است که آثار بسیار وخیمی در حیات جامعه خواهد داشت.

صاحب‌نظران معتقدند بخش عمده بحران موجود در خصوص امنیت اجتماعی در ایران، به نارسایی قوانین مربوط می‌شود. بر اساس قوانین موجود روند احقاق حق در ایران، بسیار دشوار و طولانی است و این مسئله به خودی خود موجب می‌شود که امنیت اجتماعی در معرض تهدید قرار گیرد. علاوه بر این نوعی بی‌اعتمادی و بدبینی مضاعف نسبت به قوانین موجود و عدم رجوع به مراجع قانونی برای رسیدگی قضایی می‌شود که خود آثار منفی بسیاری بر سلامت اجتماعی دارد (افشار، ۱۳۸۷: ۳).

۴-۹. ناکارآمدی نظام اداری

از جمله تهدیدات جامعه ما، ناکارآمدی بخشی از نظام سیاسی است. در این باره می‌توان به ضعف بخش اقتصاد، ناکارآمدی سیستم اداری کشور و قطعی شدن جامعه اشاره کرد. اگر قطعی شدن جامعه را از دیدگاه‌های اقتصادی مورد توجه قرار دهیم (نابرابری شدید اقتصادی) و در کنار آن از متغیری به نام رشد فزاینده آموزش عالی یاد کنیم، به یاد تحلیل‌های لرنر^۱ خواهیم افتاد که بیانگر افزایش «محرومیت نسبی» در جامعه است. محرومیت نسبی یک تهدید امنیتی است که می‌تواند باعث بروز اغتشاشات اجتماعی و یا سایر اشکال رفتارهای خشونت‌آمیز شود. این موارد را می‌توان در زمره تهدیدات عارضی امنیت ملی طبقه‌بندی کرد. افزایش نرخ آموزش عالی در کشور در صورت همراه شدن با نبرابری شدید در حوزه اقتصاد به بروز شکاف‌ها و رخنه‌هایی در امنیت ملی از نگاه حکومتی منتهی خواهد شد (علینقی، ۱۳۸۰: ۱۲۹).

بر این اساس چنانچه پدیده‌ها، وضعیت‌ها یا اقدامات در بخش اقتصادی بقای جمعیت را به خطر اندازد این موضوع، تهدید علیه امنیت ملی شناخته خواهد شد. در چارچوب حوزه اقتصادی منظور از بقاء جمعیت و خطرهای آن همان مسئله معیشت مردم است؛ یعنی مردم یک کشور از جهت دستیابی به مایحتاج

و هر خصیصه‌ی منفی شخصیتی که فرد را آسان‌تر و سریع‌تر به مقصود می‌رساند، به فردی تبدیل می‌کند که راه صعود به قله خواسته‌ها را برای او هموار می‌کند (نوری، ۱۳۸۷: ۳).

۹-۶. وجود گروه‌ها و اقلیت‌های قومی - فرقه‌ای در جامعه

تنوع قومی و فرقه‌ای در یک کشور، جدای از این که در زمان وقوع بحران می‌تواند عامل انسجام و اتحاد یک کشور باشد ولی در مقابل، در صورت سازمانی نبودن، آنها عامل تفرقه و تهدیدی برای امنیت ملی کشور می‌شوند. پرداختن به این مسئله از اهمیت بسیاری برخوردار است، چرا که وجود یک کشور با انسجام، مانع وقوع بسیاری از بحران‌های داخلی و بین‌المللی می‌شود؛ بنابراین توجه به این مسئله لازم و ضروری است.

از اواسط دهه ۱۹۹۰ منازعات مسلحانه‌ی قومی و جنگ‌های داخلی بین قومی کاهش یافت و در گرایش از جنگ به سمت مذاکره تغییراتی به وجود آمد. برخی از تحلیل‌گران از این امر به عنوان صلح کوتاه یاد کرده‌اند و سه دلیل فروپاشی دولت‌های چندقومی بلوک شرق یا بازسازی ساختاری آنها را، افزایش ظرفیت‌های دموکراتیک و شیوه‌های مدنی برای پاسخ به چالش‌های ناسیونالیسم قومی و در نهایت تلاش‌های بین‌الملل در پیش‌گیری ساختاری و مداخله بشر دوستانه علیه خشونت‌های قومی، به عنوان عوامل کاهش‌دهنده این نوع منازعات مطرح کرده‌اند (Gurr, 1994: 99). تد رابرت گر، در کتاب "مردم علیه دولت‌ها"، به بخشی از منازعه‌ی سیاسی - قومی شدید در جهان طی سال‌های ۹۴-۱۹۹۳ اشاره می‌کند که هدف آنها خودمختاری یا استقلال بوده و نهایتاً بسیاری از آنها به انقلاب و شورش، دموکراسی یا تشکیل دولت‌های جدید ملی یا محلی ختم شده است (Gurr, 1999: 92).

کشوری که از تنوع قومی برخوردار است ممکن است با هرگونه درگیری و جنگ و یا جنبش‌های استقلال‌طلبانه امنیت ملی کشور به خطر بیفتد؛ از این رو وظیفه‌ی دولت وجود نوعی اتحاد و همبستگی در جامعه است. کشور ایران از جمله کشورهایی است که دارای تنوع قومی است. همسایگان ایران (ترکیه، عراق، سوریه، کویت و...) از جمله کشورهایی است که از نظر قومیت ترک، کرد و عرب نفوذ متقابلی را در میان قومیت‌های داخل ایران دارند؛ از این رو وجود هرگونه درگیری و جنبش‌های استقلال‌طلبانه ممکن است سبب تحریک این قومیت‌ها شود و

تهدیدی برای امنیت ملی کشور باشد.

بوزان، معتقد است تهدیدات اجتماعی را نمی‌توان از تهدیدات سیاسی جدا کرد. از نظر وی تهدیدات اجتماعی زمانی واقع می‌شوند که اصولاً ماهیت اجتماعی یک دولت در معرض خطر قرار گیرد. بوزان، امنیت اجتماعی را توان حفظ و ایمنی الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی، نژادی یک تحول یا ترتیبات جدید را به عنوان یک تهدید علیه آنان (هویت اجتماعی) تعریف می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۶). وی معتقد است که هویت ملی اغلب از داخل کشور چند قومی مورد تهدید قرار می‌گیرد و فرایند دولت - ملت بیشتر متوجه خاموش کردن یا حداقل یکسان‌سازی هویت اجتماعی شبه ملی می‌شود.

ایران به عنوان کشوری که تنوع قومی - فرقه‌ای دارد، همیشه از طرف بسیاری از مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید قرار می‌گیرد. مهمترین تهدیدات ایران از این ناحیه عبارتند از:

۱. افزایش شکاف سیاسی - فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عربی سنتی منطقه (عراق، لبنان، بحرین، یمن و عربستان و...).

۲. تضعیف انسجام ملی مردم ایران از طریق تنش‌های قومی - فرقه‌ای.

۳. بسترسازی برای حرکات افراطی و ایجاد آشوب‌های قومی - فرقه‌ای مسلحانه (مقدم، ۱۳۸۶: ۹).

در نهایت می‌توان اذعان کرد که قومیت و ناسیونالیسم قومی، امروزه می‌تواند به عنوان یک متغیر راهبردی، همپای متغیرهایی مانند ژئوپولیتیک و منابع راهبردی مانند نفت و یا محیط بین‌المللی، تبیین‌گر مسائل بنیادین به ویژه امنیت ملی جوامع چند قومی در حال گذر باشد. بنابراین ایران می‌تواند از طریق رایزنی فرهنگی میان اندیشمندان اسلامی (اهل تسنن و شیعه) جلوگیری از افراط و تفریط در مراسم مذهبی، بسترسازی برای افزایش مشارکت سیاسی اقوام ایرانی، تقویت و توسعه روابط دوجانبه با کشورهای همسایه و... به مهار تنش قومی - فرقه‌ای بپردازد.

۱۰. تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد فرهنگی - اجتماعی

- ۱-۱۰. جنگ نرم: این تهدید شکل دیگری از تهدیدات

موجود و آتی دشمنان علیه ایران اسلامی است. در این جنگ

اسلام و نظام آمادگی کامل داشته‌اند.
۴. **موقعیت برتر جغرافیایی** و توان مسدود کردن بزرگترین شاهراه ترانزیتی انرژی سوخت در تنگه هرمز از مولفه‌هایی است که قدرت مهمی به ایران می‌دهد.

رسانه‌ها مهم‌ترین ابزارها هستند. سرمایه‌گذاری سال‌های گذشته غرب در راهاندازی و حمایت از رسانه‌های مخالفان و فعال شدن بیش از ۳۰ شبکه تلویزیون ماهواره‌ای ضد انقلاب و فعال بودن ده‌ها رادیوی متعدد مانند رادیو آمریکا، رادیو فردا، رادیو آزادی و بخش برنامه‌های شبانه‌روز علیه ایران از جمله آنهاست. در جنگ نرم مهم‌ترین قوت جمهوری اسلامی ایران یعنی؛ ایمان و اعتقاد مردم به اسلام، انقلاب و آرمان‌های امام خمینی (ره) و رهبری جمهوری اسلامی توسط رسانه‌های ضد انقلاب مورد هدف قرار می‌گیرد (سارویی، ۱۳۷۶: ۲).

۵. **توانمندی بالا:** توان ایران در ابعاد مختلف نظامی و تأثیرگذاری پنهان و آشکار منطقه‌ای به همراه پیشروی در صنایع برتر نظامی از جمله تولید و ساخت موشک‌های دوربرد، قایق‌ها، پرنده‌های رادارگریز، هواپیمای بدون سرنشین، تانک و... که از صنایع نظامی برتر منطقه‌ای است؛ از دیگر توانمندی‌های ایران برای مقابله با دشمنان است.

امروزه رسانه به ابزاری بسیار قوی برای ایجاد جنگ روانی علیه مخالفان در دست قدرت‌های بزرگی چون آمریکا و اسرائیل تبدیل شده است. ساخت انواع فیلم‌های ضد حقوق زنان در ایران و یا ساخت فیلم‌های مستندی که در آن ارزش‌های فرهنگی و اسلامی کشورهای مسلمان زیر سؤال می‌رود و... از جمله دسیسه‌های غرب علیه ایران است.

توانمندی‌های مختلف ایران در ابعاد گوناگون، کیفیت نیروی انسانی مومن، موقعیت جغرافیایی ویژه، توانمندی تجهیزاتی و نظامی مدرن، قدرت رهبری بالا در شرایط بحرانی، قدرت الهام‌بخشی به جنبش‌های منطقه‌ای و... است که ذهن تمام تحلیل‌گران مسایل سیاسی و نظامی را درگیر واکنش ایران به حمله احتمالی کرده است.

مؤلفه‌های قدرت ایران که به جمهوری اسلامی ظرفیت حفاظت از منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی و مقاومت در برابر زیاده‌طلبی استکبار را می‌دهد، عبارتند از:

۱-۲. **جهانی شدن:** جهانی شدن از مفاهیمی است که در این عصر تمام ابعاد زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی بشری را در حیطه خود قرار داده است. نظریه‌پردازان از جهانی شدن به عنوان عامل به وجودآورنده بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه بشری نام می‌برند.

۱. **قدرت باور و ایمان:** نظام جمهوری اسلامی ایران چه به لحاظ پیدایش و چه به دلیل تداوم راه و گسترش توانمندی‌های خود همواره از عنصر اصلی ایمان به خداوند و غیب و نصرت الهی بهره‌مند بوده و خواهد بود؛ قدرت ایمان، نظامی قدرتمند از جمهوری اسلامی ایران ساخته است.

جهانی شدن چه به مثابه پروسه و پروژه و یا پدیده بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. این تأثیرات به ایفای نقش بازیگری نخبگان جمهوری اسلامی، سیستم مدیریتی کلان و منابع، ظرفیت‌ها و امکانات کشور بستگی دارد. زمینه‌های مناسب و امکانات فرهنگی و سیاسی، ژئوپولیتیکی ایران در جهانی شدن می‌تواند فرصت‌های جدی و مناسبی را که تضمینی است بر امنیت ملی برای جمهوری اسلامی فراهم کند. در غیر این صورت به حذف فرصت‌ها و تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی منجر خواهد شد (عیوضی، ۱۳۸۳: ۱). جهانی شدن جدای از فرصت‌های بسیاری که به دنبال دارد، از طرف دیگر به عنوان یک عامل تهدید در زمینه‌های مختلف سیاسی- اقتصادی و اجتماعی خواهد بود.

۲. **قوت رهبری:** رهبری اسلامی جایگاهی است که با تقواترین و عادل‌ترین مجتهدان به آن دست پیدا می‌کنند و به باور شیعه، رهبری نظام اسلامی مؤید به تأییدات الهی است و در عرصه بحران و خطر، قدرت مدیریت رهبری معظم انقلاب و حضرت امام (ره) بارها به اثبات رسیده است.

۳. **همبستگی:** مردم مسلمان ایران از همبستگی ملی شدیدی برخوردارند که به دلیل ایمان آنها و ضرورت زیست مسالمت‌آمیز و حفظ مرز و خاکشان به آنها بخشیده است و در عرصه‌های مختلف بویژه در طول ۳۰ سال انقلاب و دفاع مقدس هر کجا به حضور نیاز بوده است، در ایفای نقش خدمت‌گزاری به

جهانی شدن اقتصاد پیامدهای متفاوتی را بر دولت‌ها خواهد

۱۰-۳. **حقوق بشر:** یکی از تهدیدات غرب علیه جمهوری اسلامی ایران بهره‌گیری از حربه حقوق بشر بوده است. با توجه به روندهای دموکراتیک‌سازی، برگزاری انتخابات باشکوه مردمی و کنوانسیون متعدد حفظ حقوق بشر بعد از انقلاب به ویژه در سال‌های اخیر متأسفانه غرب هنوز ایران را متهم به نقض حقوق بشر و نبود روندهای دموکراتیک در داخل کشور متهم می‌کند و این مسئله در طول دوره‌های مختلف تهدیدی علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران بوده است.

۱۰-۴. **ناتوی فرهنگی:** مهمترین زمینه‌های تغییر رویکرد آمریکا به ناتوی فرهنگی عبارتند از: کارآمدی اسلام در تقابل با سلطه غرب و نیز تناقضات و ناکارآمدی لیبرال دموکراسی. نابودی هویت ملی جوامع بشری، بدست گرفتن سر رشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای هدف، مجبور کردن ملت‌ها به پذیرش فرهنگ مبتذل دولت‌های استعماری، سازماندهی و حفظ انسجام تمدن غربی و جلوگیری از ایجاد تمدن اسلامی از مهمترین اهداف ناتوی فرهنگی است. رویکرد اصلی ناتوی فرهنگی جنگ نرم و هدف اصلی آن نابودی هویت ملی جوامع بشری به ویژه مقابله با ایمان انسان‌هایی است که می‌خواهند از هویت دینی و ملی خود شرافتمندانه دفاع کنند.

۱۱. راه‌های پیشرفت و امنیت‌ساز در جامعه

اگر بخواهیم از توسعه و پیشرفت تعریفی داشته باشیم، می‌توان گفت توسعه و پیشرفت همان افزایش سطح بهره‌مندی و رفاه، ارتقای امنیت، آزادی گسترش ارتباطات اجتماعی و امکان تحرک اجتماعی عمودی و افقی معطوف به ارزش‌های جامعه است که در سایه پیشرفت علمی و تکنولوژیک دگرگونی تکاملی در نظام بهداشت و درمان، آموزش و سازماندهی و مهندسی اقتصادی صنعتی، سیاسی و فرهنگی به وجود می‌آید. بنابراین برای رسیدن به افق‌های مطلوب زندگی که همان زندگی توسعه یافته و همراه با پیشرفت است؛ به مدیریت آن نیازمندیم و باید مدلی متناسب با ارزش‌های دینی و ملی طراحی و تدوین شود.

جامعه توسعه‌یافته خود زمینه‌ساز پیشرفت و کاهش تهدیدات است. جدای از مباحث فوق از شاخصه‌های جامعه‌ی توسعه‌یافته

گذاشت. جهانی‌شدن اقتصاد می‌تواند یک فرصت باشد و موجب توسعه بازارهای جدید و رای مرزهای ملی شود و ابعاد بازار را برای صدور کالا به صورت چشم‌گیری گسترش خواهد داد؛ اما ممکن است در بازارهای جهانی کالای کشور نتواند در برابر کیفیت و قدرت کالاهای کشورهای بزرگ رقابت کند؛ زیرا کالای کشوری مانند آمریکا، چین و دیگر کشورهای اروپایی در عرصه بازارهای جهانی حرف اول را می‌زند و از این نظر تهدیدی برای کالاهای کشور به حساب می‌آید.

چالش مهم دیگر در عرصه جهانی‌شدن، چالش قومیت است. نگاه به قومیت‌ها در بحث جهانی‌شدن آن جا موضوعیت می‌یابد که همواره به عنوان مانعی در راه توسعه‌ی آن در نظر گرفته شده است. هویت قومی که برآمده از گرایشات، تعلقات، مناسک و آداب خاص هر قوم بوده و در جهت گیری‌ها و ایفای نقش اعضایش در عرصه‌های مختلف موثر است و این به عنوان یکی از عمده‌ترین چالش‌های جهانی‌شدن مطرح می‌شود (رمضانی، ۱۳۸۶: ۲).

ایران که از قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف تشکیل شده در شرایط جهانی‌شدن و به پاخاستن خرده فرهنگ‌ها از جمله کشورهای است که اولاً باید روابط خارجی خود را با همسایگان به گونه‌ای سامان دهد که مداخلات آنها را به حداقل برساند؛ ثانیاً در داخل نیز شرایط مناسبی فراهم آورده که هیچ قومی احساس نکند نسبت به حقوق آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) اعمال تبعیض می‌شود (مینایی، روزنامه ایران، ۱۳۸۶/۵/۷).

در مجموع جهانی‌شدن به عنوان یک متغیر مستقل، تهدیدها و فرصت‌هایی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران پدیدآورده است که عبارتند از: تهدید هویت (هویت‌های قومی)، گسترش اصول و ارزش‌های دموکراسی، گسترش اقتصاد بازار و گسترش تسلیحات هسته‌ای، خیزش هویت‌های قومی با توجه به تکرر هویت در ایران، تهدید لیبرال دموکراسی علیه نظام سیاسی ایران (با تلفیق دین و سیاست). بنابراین جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی جهانی‌شدن از طریق ارزیابی درست تهدیدات، شناخت فرصت‌ها، کاهش و کنترل تهدید و کاهش آسیب‌پذیری داخلی و همچنین اتخاذ استراتژی فرهنگی بر اساس تاکید بر استقلال ملی و هدایت هویت‌یابی مرکب می‌تواند گامی موفق در جهت مقابله با تهدیدات جهانی بردارد.

به نوبه خود نقطه تحول عظیمی در تاریخ این کشور به حساب می‌آید.

- از همان ابتدای انقلاب تهدیدات خارجی و داخلی بصورت ساخت‌افزایی و برنامه‌ریزی شده شکل گرفت که با مقاومت شگفت‌انگیز مردم در پیشبرد اهداف انقلاب مواجه شد.

- دولت‌های غربی مخالف انقلاب مردم ایران، با اختصاص بودجه‌های عظیم (چهل میلیون دلار بودجه مصوب شده در سنای آمریکا برای هر سال) در جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده و با استفاده از جنگ اطلاعاتی به تهاجم فرهنگی دست می‌زنند.

- مقام معظم رهبری حدود دو دهه هر سال به مسئولین فرهنگی مسئله و معضل تهاجم فرهنگی را گوشزد می‌کنند. از طرف دیگر توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و تغییر ساختارهای سازمانی باعث تعاملات بیش از پیش فرهنگ‌ها شده است؛ بصورتی که برقراری ارتباط برای هر شخصی با فرهنگ دیگر در کره خاکی ممکن و سهیل شده است؛ بدین ترتیب جامعه جهانی وارد دوره‌ای در سیر رشد تمدنی خود شده که نظریه‌های دهکده جهانی از طرف مک لوهان، جامعه اطلاعاتی و جهانی‌شدن در همین نیم قرن اخیر مطرح می‌شوند. برای هیچ فرهنگ و جامعه‌ای امکان جدایی یا بسته بودن در مقابل جریان اطلاعاتی وجود ندارد و تغییرات فرهنگی در این دوره رشد بیشتری داشته است.

در عصر اطلاعات و ارتباطات که تهاجم فرهنگی و قدرت نرم بصورت بسیار جدی‌تر و افزون‌تری دنبال می‌شود کشور و جامعه‌ای ضربه می‌خورد که نتواند پاسخ به جا و قابل فهمی به جهان عرضه کند؛ اساساً فرهنگ و جامعه‌ای که به تولید اندک اطلاعات می‌پردازد به طور ناخودآگاه به تغییر فرهنگ‌هایی می‌پردازد که تولید بیشتری در اطلاعات دارند و به این گونه فرهنگ او نیز آسیب‌پذیرتر خواهد بود؛ بنابراین فرهنگ‌های دارای محتوا و تاریخ غنی باید با تولید بیش از پیش اطلاعات و پاسخ‌های اطلاعاتی به موقع در رقابت اطلاعاتی پیشی گرفته و گوی سبقت را در تهاجم فرهنگی که در دنیای امروز بصورت قدرت نرم شکل می‌گیرد برآید. نمونه این جوامع مالزی و ترکیه است. در هر دوی این کشورها رشد اقتصادی چشم‌گیری در

طبق بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. خودکفایی در نیازهای اساسی، ۲. فراصنعتی‌شدن
۳. افزایش بهره‌وری، ۴. ارتقای سطح سواد، ۵. ارتقای خدمات‌رسانی به شهروندان، ۶. افزایش امید به زندگی، ۷. رشد ارتباطات، ۸. مبتنی شدن روند تحول بر عناصر اصلی هویت ملی و آرمان‌های اساسی، ۹. استقلال فرهنگی، ۱۰. ارتقای علمی مدیریت‌ها، ۱۱. افزایش احساس مسئولیت، ۱۲. مقابله با جهل و بی‌قانونی، ۱۳. انضباط اجتماعی، ۱۴. عزت ملی، ۱۵. مبارزه با فقر، فساد، بیکاری و تبعیض، ۱۶. عدالت‌طلبی، ۱۷. افزایش ثروت ملی، ۱۸. رشد اخلاق و معنویت، ۱۹. اقتدار ملی (رسولی، ۱۳۸۶: ۳-۲).

۱۲. استراتژی امنیت فرهنگی

بحث فرهنگ با امنیت ارتباط بسیار نزدیکی دارند. اگر فرهنگ را در سه قسمت آگاهی، باور و رفتار ببینیم؛ آنگاه مجموعه این سه قسمت، خود را در تربیت یک نسل از جامعه که به صورت آموزش و پرورش اجرا می‌شود، آشکار می‌کند. آگاهی شامل ناخودآگاه (که علم روانشناسی با توجه به رفتارها به کشف آن می‌پردازد) و خودآگاه مردم است. به این ترتیب اخلاق و قوانین اجتماعی نیز در فرهنگ جای می‌گیرند، البته با توجه به پویایی فرهنگ در ارتباط نسلی در طی زمان و ارتباط با دیگران در طی مکان تغییر و تحول جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ خواهد بود (یا حداقل در دنیای امروز چنین ادعایی می‌توان کرد). امنیت در فرهنگ وقتی معنا می‌یابد که این تغییر و تحول فرهنگ در عین آرامش عمومی جامعه و با جهتی برنامه‌ریزی شده و پیش‌بینی شده از طرف نخبگان و برنامه‌ریزان انجام گیرد. به عبارت دیگر امنیت فرهنگی شامل پذیرش و اجرای رفتار مجموعه‌ای از قوانین و ارزش‌های عمومی در سطح جامعه با توجه به تغییرات فرهنگی است.

حال با توجه به این مقدمات به مسئله امنیت جمهوری اسلامی ایران در جهان امروز می‌پردازیم. جمهوری اسلامی ایران در جهان معاصر ویژگی‌های خاصی دارد:

- این کشور در حدود سی سال است که تجربه انقلابی را از سوی مردم با انگیزه‌های دینی و با رهبری نخبگان دینی دارد که



بیست سال گذشته رخ داده است که مورد تایید همگان است. در این دو کشور، مسلمانان جمعیت غالب را تشکیل می‌دهند؛ اما مظاهر یک جامعه دینی در این دو وجود ندارد زیرا در مقابل پیشرفت غربی کاملاً سرسپرده عمل کردند و به هیچ وجه در تولید اطلاعات گام موثری برداشتند.

حال کشور ایران از یکسو دارای فرهنگ غنی دینی است و از سوی دیگر دارای پشتوانه‌ای تاریخی و تمدنی است که در دوره‌های تمام پیشرفت‌های بشری در ایران زمین یافت می‌شد. بنابراین وقتی می‌توانیم در برابر تهاجم فرهنگی صافبندی کنیم که نه تنها از قدرتهای سخت‌افزاری در حذف دست‌یابی جامعه خود به اطلاعات ناپاک دشمنان استفاده کنیم بلکه به خیزشی هدفمند و برنامه‌ریزی شده در جهت تولید اطلاعات براساس محتوای فرهنگی خود که از دین و تاریخ ناشی می‌شود اقدام کنیم.

در نگاه توسعه‌ای به کشور ما بعد از انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، روبه‌رویی فرهنگ ایرانی- اسلامی با فرهنگ متجدد غرب تضادهای زیادی را در فرهنگ عمومی کشور به وجود آورده که توجه مقام معظم رهبری به تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی، ناشی از حمله فرهنگ غربی به فرهنگ اسلامی است و همواره بعد از انقلاب خلأ کشف‌نشده تئوری توسعه پایدار با محوریت فرهنگ دینی مشهود بوده است.

برای برنامه‌ریزی در این کار باید به چند راهکار اشاره کنیم:

۱. مهمترین دستگاه متولی امر فرهنگ در کشور یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باید در قدم اول همایش‌ها و رساله‌های دکتری را در جهت تئوری‌پردازی چنین مسئله‌ای که در رشد و بالندگی کشور نقش به‌سزایی دارد معطوف کند. در این میان همه دستگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی موظف به برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های نظام اسلامی در جهت تعالی فرهنگی مردم هستند که البته باید هماهنگی منظمی میان این برنامه‌ها وجود داشته باشد. برای داشتن یک برنامه‌ریزی هماهنگ و کامل از نظر کلی و جزئی بودن آن، باید به شناخت کاملی از جامعه هدف در شاخص‌های فرهنگی آن دست یابیم تا با مشخص کردن نقطه متعالی، بتوان به ترسیم خطوط کلی و جزئی مسیر رشد و بالندگی فرهنگی دست یافت.

۲. در قدم دوم باید به برنامه‌ریزی کامل و هماهنگی در تولید اطلاعات فرهنگی دست یابیم. در این برنامه‌ریزی باید به سه دسته از افراد در رقابت اطلاعاتی جهانی توجه شود: دسته اول اندیشمندان و عالمان دینی و فرهنگی هستند که به تولید خالص اطلاعات دینی و فرهنگی می‌پردازند، دسته دوم را کارشناسان مردم‌شناس و جامعه‌شناس برای گزینش و تدوین اطلاعات و تعیین آن در نسبت با مخاطب تشکیل داده و دسته سوم را نیز تکنسین‌های اطلاعاتی که با دستگاه‌ها و فناوری‌های ارتباطی آشنا هستند تشکیل می‌دهند. این سه دسته در هر سازمان فرهنگی و ارتباطی می‌توانند جمع شوند که به این ترتیب در عرصه رقابت اطلاعات جهانی می‌توان حضوری فعال از فرهنگ خودی نشان داد.

۳. برنامه‌ریزی برای مخاطبین داخلی در جهت تربیت امنیتی نیز می‌تواند قدم سوم ما در ایجاد امنیت فرهنگی در داخل کشور باشد. این تربیت امنیتی از یک سو در مقاطع تحصیلی به صورت آموزشی انجام می‌گیرد و از سوی دیگر در رسانه‌های عمومی برای آشنا کردن عموم مردم با مباحث امنیتی صورت می‌گیرد. کشور ما بارها از عدم آشنایی مردم و به خصوص خانواده‌های مسئولین و نخبگان علمی کشور (به طور مثال در مباحث هسته‌ای) با مباحث امنیتی - اطلاعاتی در دوره جنگ و بعد از جنگ ضربه خورده است و باید به هر صورت عموم مردم با این مباحث آشنا شوند.

۴. میزان رضایت عموم از حاکمیت و عمل حاکمان نیز در وجود امنیت داخلی بسیار مهم است؛ از این نظر دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی همچون نیروی انتظامی، شهرداری‌ها و فرمانداری‌ها، بانک‌ها و همه سازمان‌هایی که بصورت مستقیم در ارتباط با مردم هستند باید با وضع قوانین مناسب در نظم و انضباط اجتماعی کوشش کرده و رضایت عمومی را افزایش دهند (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۰).

۱۳. فرصت‌های امنیت‌ساز جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقاط قوت رهبری، توانایی دفاعی، علمی و تکنولوژیک، توانمندی هسته‌ای، منابع

ساختارهای عمده فرهنگی، هنری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی خود شود.

جدا از تهدیدهایی که امنیت اجتماعی را مختل می‌کند یک سری تهدیدات خارجی هستند که سبب می‌شود امنیت ملی و به تبع امنیت اجتماعی درون جامعه مورد تهدید قرار گیرند. در برابر تهدیدات خارجی آن چه که اهمیت پیدا می‌کند قدرت تصمیم‌گیری نظام سیاسی است؛ از این رو همیشه باید نخبگان و تصمیم‌گیران سیاسی جامعه بتوانند بر اساس یک نوعی وفاق ملی تدابیری را برای مقابله با این تهدیدات بیندیشند. بسیاری از گروه‌های خارجی سعی دارند از طریق ایجاد رخنه در درون جامعه نوعی گسست را میان قومیت‌ها و با ساختارهای اجتماعی درون جامعه ایجاد کنند تا از این طریق علاوه بر ایجاد اغتشاش در درون نظام به نوعی بتوانند از این طریق امنیت ملی را هم تضعیف کنند. بنابراین امنیت اجتماعی با وفاق ملی و سیاست داخلی نیز در تعامل است، همچنین اقتدار ملی در کنار امنیت اجتماعی حاصل می‌شود. هر چه این وفاق ملی و اقتدار ملی تحکم بیشتری داشته باشد، زمینه‌ساز استحکام بیشتر امنیت ملی است.

منابع:

- استراتژی‌های امنیت فرهنگی - اجتماعی . (۱۳۸۲). به نقل از: www.bashgah.net
- اشتراوس، شو . (۱۳۷۳). فلسفه سیاسی چیست؟ ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- افشار، اسدالله . (۱۳۸۷). انسان، امنیت اجتماع. به نقل از: www.resalat-news.com
- بوزان، یوران . (۱۳۸۷). مردم، دولت‌ها و هراس. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسنی فر، عبدالرحمن . (۱۳۸۳). دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. به نقل از: www.isu.ac.ir
- حمراسی فراهانی، علی اصغر . (۱۳۷۴). بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی و عوامل تهدید امنیت ملی و شیوه‌های حراست از آن در سیاست بین الملل. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- دهشیری، محمد رضا . (۱۳۸۴). الزامات فراروی سیاست خارجی ج.ا. ایران در پرتو سند چشم انداز بیست ساله. فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۲ و ۱۴.
- رامونه، اگناسیو . (۱۳۷۷). آیا جهان به سوی هرج و مرج می‌رود؟. ترجمه‌ی پریچهر شاهسون. تهران: انتشارات عطا.
- رسولی، اعظم . (۱۳۸۶). راه‌های پیشرفت و تعالی همه جانبه و موانع آن. به نقل از: www.azamrasouli.persianblog.ir
- رضانی، احمد . (۱۳۸۶). قومیت، امنیت اجتماعی در عصر جهانی‌سازی. به نقل از: www.sociologyofiran.com
- رنجبر، مقصود . (۱۳۸۲). تهدیدات اسرائیل علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه‌ی اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.
- سیف‌زاده، حسین . (۱۳۷۰). مصالح ملی. چاپ در مجموعه مقالات و مفاهیم. تهران:

عظیم هیدروکربنی و الهام‌بخشی، یکی از کشورها و قدرت‌های تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه است. در بررسی کشورها از نظر تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، ایران در ردیف کشورهای که زیاد تأثیرگذار است ولی از نظام بین‌الملل کمتر تأثیر می‌پذیرد، قلمداد می‌شود. مهم‌ترین فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل را می‌توان به اختصار بصورت زیر بیان کرد:

۱. شکست راهبرد آمریکا در منطقه و گسترش تنفر مردم،
۲. افزایش بیداری اسلامی و خودآگاهی اسلامی،
۳. کاهش دولت‌های متخاصم در همسایگی ایران،
۴. افزایش قیمت انرژی،
۵. افزایش تقاضای جهانی به انرژی،
۶. ضعف و چالش در ارکان رژیم صهیونیستی (ارتش و جوخه‌های ترور، مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی، حمایت قدرت‌های غربی).
۷. ارتقاء وجهه و جایگاه عزتمند بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
۸. توان ضربه متقابل و قدرت بازدارندگی در مواجهه با تهدیدها.

۹. اتخاذ سیاست تعامل چندجانبه و همه‌جانبه.

۱۰. بهبود نقش و جایگاه کشور در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی و افزایش تأثیرگذاری بر فرآیندها و دستور کارهای منطقه‌ای و بین‌المللی (سارویی، ۱۳۸۶: ۱-۲، دهشیری، ۱۳۸۴: ۶۲).

نتیجه‌گیری

امنیت اجتماعی از ویژگی‌های مهم یک نظام اجتماعی کارآمد است. مقوله امنیت اجتماعی را نباید فقط متکی بر تدابیر نظامی و انتظامی و یا نیروهای مسلح دانست. از آن جا که در درون جامعه سطوح مختلف اجتماعی اعم از طبقات سنی، گروه‌های جنسی، اصناف و صاحبان حرفه و مشاغل و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی و... وجود دارند، لازم است با فعالیت‌های مختلف فرهنگی و تبلیغی زمینه را برای مشارکت و حضور یکپارچه مردم برای ایجاد یک محیط سالم امنیت اجتماعی محقق ساخت، تا از این طریق باور ملی متوجه جایگاه خاص امنیت اجتماعی در

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- شعبانی سارویی، رمضان. (۱۳۸۶). تهدیدات و فرصت‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران. به نقل از: www.aftab.ir

- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۶). تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش). تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- عبداللهی، محمد علی. (۱۳۸۱). قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات نشاط.

- علینقی، امیرحسین. (۱۳۸۰). نگاهی به مسائل امنیتی ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.

- عمید، حسن. (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر. چاپ نوزدهم.

- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۲). مطالعات امنیت، سیاست و جهانی شدن. ماهنامه زمانه‌ی زمانه، شماره‌ی ۳۰.

- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۲). جهانی شدن و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.

- غلامی، رضا. (۱۳۸۶). فرهنگ و امنیت ملی. به نقل از: www.sheshmim.com

- فاضل و الهام آشتیانی. (۱۳۸۷). چشم انداز آسیب‌ها و تهدیدات ایران. به نقل از: www.irdic.ir

- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۰). زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل. تهران: قومس.

- کریمی نوری، محمد علی. (۱۳۸۷). نقش امنیت در رفتارهای فردی و اجتماعی. به نقل از: www.kherad.info

- گلشن پژوه، محمد رضا. (۱۳۸۶). شاخص‌های یک اجتماع امنیتی با ثبات از دیدگاه دویچ. فصلنامه راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره هجدهم، زمستان ۱۳۸۶.

- گروه ایمن ارسنجان. (۱۳۸۷). افزایش امنیت انسانی و حفظ حقوق شهروندی. به نقل از: www.amuzesh/pamflat/amniat-ensuni.com

- متقی، ابراهیم. (بهار ۱۳۷۶). تحلیل رفتار سیاسی اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران. سیاست دفاعی، سال پنجم شماره ۲۹.

- محبوبی منش، حسین. (۱۳۸۷). امنیت و انحرافات. به نقل از: www.asheghanee.parsiblog.com

- معلوف، لویس. (۱۹۷۳). المنجد فی اللغة. دارالمشرق بیروت. تهران: انتشارات اسماعیلیان.

- معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.

- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). گفتارهای معنوی. تهران: صدرا.

- مقدم، دلاور. (۱۳۸۶). امنیت ملی تهدیدهای قومی - فرقه‌ای. هفته‌نامه‌ی پگاه حوزه، شماره‌ی ۲۰۶.

- مک کین لای، رابرت و ریچارد، لیتل. (۱۳۸۰). امنیت جهانی رویکردها و نظریه‌ها.

ترجمه‌ی اصغر افتخاری. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی. ملکی، رؤیا. (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی. به نقل از:

www.hamshahrionline.ir

- مینایی، اصغر. (۱۳۸۷). استراتژی امنیت ملی ایران. روزنامه‌ی کیهان، شماره ۱۸۸۶۱.

- میوند، خسرو. امنیت ملی تابع امنیت انسانی. به نقل از: www.mashal.org

- هوشیار، مرتضی. (۱۳۸۷). امنیت اجتماعی. تهران: اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی.

- Adler, Emanuel and Michel Barnett(eds),(1998). Security Communities, Cambridge/New York: Cambridge University Press.

- Baldwin, David (1997). "The Concept of Security", Reviv of International Studies, Vol 23, No.1.

- Buzan, Barry, Ole Ware and Jaap de Wild, (ed), (1988). Security A New Framwork: For Analysis, Lynne Rynne Rienner Publication.

- Dutsch, Karl et al(1957). Political Community and the North Atlantic Area, Princeton University Press.

- Dutsch, Karl(1988). The Analysis of International Relations, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

- Hart Micheal and Antonio Negri(2000). Empire, Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Jones, Richardw(1999). Security, Strategy, and Critical Theory, London, Lynner Publications.

- Rose, Nikolas(1993). Power of Freedom, reforming Political Thought, Cambridge: Cambridge University Press.

- Tang Shiping(2004). A Sytemic Theory of the Security Environment, The Journal of Strategic Studies, Vol. 27, No. 1.

- Ted Gurr, Robert(1994). "People Against States: Ethnopolitical Conflict and The Changing World System", International Studies Quarterly, No. 38.

- Ted Gurr, Robert(1994). Peoples Versus States: Minorities at Risk in The New Century, United States, Institute of Peace

www.ciaonet.or.org

- Ole, Wever and Barry Buzan "Liberalism and Security", from: www.ciaonet.or.org